



## Legislator's Differential Approach in the Trial of Political Crimes

Shima Moradifar<sup>1</sup>, Javad Tahmasabi<sup>2\*</sup>, Mohammad Ali Mahdavi Sabet<sup>3</sup>

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages:** 123-136

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0000-0000-0000

**TELL:** +98000000000000

**Email:** tahmasbebi@gmail.com

**Article history:**

**Received:** 29 Mar 2025

**Revised:** 28 May 2025

**Accepted:** 02 Jul 2025

**Published online:** 23 Sep 2025

**Keywords:**

*Differential Approach,  
Security, Criminal  
Proceedings, Political Crime.*

### ABSTRACT

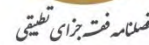
Differentiation of criminal proceedings means that the rules and regulations governing the proceedings in a specific area are different from the general rules and regulations of the proceedings. Differentiating policy in political crime proceedings means determining the specific situation and procedures for dealing with political crimes and pursues goals such as security, protection of the victim, and effective dealing with new methods and forms of committing crimes. This type of policy is usually implemented in countries with complex and sensitive political issues. In differential policy, the difference between political and non-political crimes is taken into consideration. This difference may be manifested in cases such as restrictions on freedom of expression, human rights and civil rights, as well as the political and social effects of crime on society. This study was conducted with the aim of investigating the differential approach of the legislator in the trial of political crimes using library sources and analytical-descriptive method. The results of this research showed that the goal of the differential approach of the legislator is usually to protect the rights of the accused and ensure justice in the proceedings. Is. Some critics of this approach believe that this distinction of the legislature against political crimes may lead to inequality before the law and abuse of power.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

**How to Cite This Article:** Moradifar, SH; Tahmasabi, J & Mahdavi Sabet, MA (2025). "Legislator's Differential Approach in the Trial of Political Crimes". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(3): 123-136.



## مقدمه

تنظیم قواعد دادرسی کیفری دارای چنان جایگاهی مهمی می‌باشد که اکثر کشورهای دنیا اخیراً، به کرات اصلاحات قانونی فراوانی را با استفاده از تجربه کشورهای دیگر در آیین دادرسی کیفری خود اعمال نموده‌اند. افتراقی‌سازی آیین دادرسی کیفری سهم به‌سزایی در امر مبارزه با رفتارهای مجرمانه می‌تواند داشته باشد. بررسی قواعد دادرسی ناظر بر جرایم علیه امنیت، در حقوق کیفری ایران نشان می‌دهد که درباره تضمینات دادرسی ناظر بر این جرایم رویکرد مشابه و یکسانی وجود ندارد. گاهی نگرانی از تضییع حقوق اولیه افرادی که با انگیزه انسانی و اصلاحی اقدام به ارتکاب برخی از جرایم نموده‌اند، روشنفکران و نیز قانون‌گذاران را مجاب شناخته است تا تضمیناتی فراتر از حقوق دفاعی متهمین جرایم عادی را برای مرتکبین این جرایم ضروری بدانند. وجود چنین رویکردی از قواعد دادرسی ناظر بر جرایم سیاسی در مقررات بسیاری از کشورها حداقل از منظر تئوری و نظری قابل مشاهده می‌باشد. از سوی دیگر ماهیت غیرانسانی برخی دیگر از جرایم علیه امنیت به‌مانند جرایم منطبق با تلقی فقهی محاربه در حقوق ایران و یا جرایم تروریستی در حقوق کشورهایمانند فرانسه همگان را راضی ساخته است تا نسبت به این جرایم به جای انعطاف و مدارا تنها از ابزارها و قواعد سرکوبگری کیفری استفاده گردد. ماهیت، نوع و ویژگی‌های جرم‌انگاری علیه امنیت در حقوق کیفری دارای تفاوت‌های عمده با جرم‌انگاری سایر جرایم است. با توجه به این تفاوت‌ها، حتی می‌توان نوع جرم‌انگاری و قانون‌گذاری موجود در این زمینه را عکس حالت و وضعیتی دانست که در این ارتباط نسبت به سایر جرایم وجود دارد. از این‌رو، درحالی‌که در قلمرو سایر جرایم تمایل به ایجاد سیاست جنایی متنوع و مشارکتی به همراه رویکرد جرم‌انگاری حداقلی مشاهده می‌شود، در قلمرو جرایم علیه امنیت از طریق راه کارهای متعدد و متفاوت، اهتمام ویژه‌ای در به‌کارگیری نوعی از جرم‌انگاری حداکثری و توسعه طلب به‌کار رفته است. با این رویکرد می‌توان دریافت که در محدوده جرم‌انگاری جرایم علیه امنیت، نسبت به سیاست خاصی که امروزه از آن به راهبرد عقب‌نشینی یا عدم مداخله حقوق کیفری یادشده، تمایلی وجود ندارد. این تحقیق که با استفاده از منابع کتابخانه

ای و به‌روش تحلیلی - توصیفی انجام پذیرفته است، درحقیقت به‌دنبال پاسخ به این پرسش‌ها می‌باشد که منظور از جرم سیاسی در حقوق ایران چه جرایمی هستند؟ منظور از دادرسی جرایم سیاسی چیست؟ آیا رویکرد افتراقی قانون‌گذاری به‌عنوان یک رویکرد قانونی، می‌تواند در راستای تحقق عدالت و تعادل در جامعه تحقق یابد؟ و نهایتاً رویکرد افتراقی قانون‌گذار در دادرسی جرایم سیاسی در حقوق ایران چگونه است؟

## ۱- مفهوم‌شناسی

## ۱-۱- مفهوم جرم سیاسی

جرم سیاسی به هرگونه فعالیت یا رفتار مجرمانه اشاره دارد که در زمینه سیاست و امور سیاسی انجام می‌شود. این نوع جرم‌ها معمولاً برای شکستن یا تضعیف سیستم سیاسی، به‌طور غیرقانونی به‌دست‌آوردن قدرت یا ترویج ایدئولوژی‌های خاص استفاده می‌شوند. بعضی از مثال‌های جرم سیاسی شامل توطئه‌های سیاسی، ترور، خیانت به کشور، تجاوز به حقوق بشر، سانسور اطلاعات و نفوذ سیاسی هستند. این نوع جرم‌ها معمولاً با تحریم‌های قانونی همراه هستند و به‌دلیل طبیعت سیاسی خود، ممکن است پیامدهای سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای داشته باشند.

جرایم سیاسی یا سیاسی - اجتماعی، جرایمی هستند که به تخلف از قوانین و مقررات سیاسی و اجتماعی یک کشور اشاره دارند. این نوع جرایم معمولاً شامل فعالیت‌هایی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با سیاست، دولت، نظام سیاسی یا جامعه ارتباط دارند. برخی از مثال‌های رایج جرایم سیاسی شامل خیانت به دولت، توطئه علیه دولت، تروریسم سیاسی، شورش و مخالفت با قوانین سیاسی و اجتماعی هستند. جرایم سیاسی ممکن است در هر کشوری به‌شکلی متفاوت تعریف و مورد بررسی قرار گیرند. این تعریف و بررسی معمولاً تحت تأثیر قوانین و سیاست‌های هر کشور قرار می‌گیرد. همچنین در برخی موارد، جرایم سیاسی ممکن است به‌عنوان ابزاری برای سرکوب اعتراضات و نظرات مخالف در نظام‌های دیکتاتوریال استفاده شوند (Spagnoletti & Paolo, 2005).

جرم سیاسی در حقوق ایران به جرم‌هایی اشاره دارد که مستقیماً با فعالیت‌های سیاسی و انتقاد از نظام سیاسی

جمهوری اسلامی ایران مرتبط است. در حقوق ایران، جرم سیاسی به‌عنوان یک دسته جداگانه از جرم‌های عادی تلقی می‌شود و تحت قوانین مخصوص خود قرار دارد (زینلی، ۱۳۷۸: ۱۲).

به‌طور کلی، برخی از جرم‌های سیاسی در حقوق ایران شامل موارد زیر می‌شوند:

۱- انتشار مطالب و اظهارنظرهای منتقدانه درباره نظام سیاسی: این شامل انتشار مقالات، کتاب‌ها، پیام‌های رسانه‌ای یا استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای ابراز نظرات منتقدانه درباره نظام سیاسی و حکومت است.

۲- تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی غیرقانونی: تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی که به‌طور رسمی تأیید نشده‌اند یا به دلایلی در نظر قانون غیرقانونی تلقی می‌شوند، جرم سیاسی محسوب می‌شود.

۳- انجام فعالیت‌های تبلیغاتی منفی: انجام فعالیت‌های تبلیغاتی منفی که براساس قوانین ایران در برخی موارد ممنوع است، می‌تواند به‌عنوان جرم سیاسی در نظام حقوقی ایران مطرح شود.

هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیت باشد، جرم محسوب است. هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست، مگر آن‌که به‌موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده باشد. تعریف روشنی که می‌توان برای جرم سیاسی پیدا کرد، این است که اولاً جرم برگرفته از فکر و ذهن سیاسی باشد یا از یک دستگاه و مؤسسه سیاسی؛ دوماً به‌معنی اخص جرمی خواهد بود که مخالف نظم سیاسی داخلی یا خارجی کشور باشد، مانند توطئه چینی به هدف تغییر شکل یک حکومت (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۰۷/۴)، علی‌رغم تفاوت‌هایی که جرم سیاسی با جرم عمومی در مقام برخورد با متهم یا مجرم سیاسی دارد و باوجود این‌که سیاسی‌شمردن یک جرم نوع خاصی از رفتار با مرتکب آن را موجب می‌شود و آثار و توابع قابل توجهی دارد، تعریف آن واضح و روشن نیست و این‌که قانون اساسی به این نکته تصریح کرده است که تعریف جرم سیاسی را قانون معین

می‌کند در هیچ‌یک از متون قانونی نمی‌توان تعریفی برای جرم سیاسی یافت یا با تمسک به قوانین جزایی جاری، جرم سیاسی را از جرم عمومی تمیز داد. جرم سیاسی به هر عمل مجرمانه ای اطلاق می‌شود که انگیزه ارتکاب آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمامداری کشور باشد، این جرم ممکن است به‌تنهایی و یا همراه جرایم عمومی، اجتماعی و امنیتی ارتکاب یابد در اصل ۱۶۸ قانون اساسی از جرم سیاسی اسم برده شده، ولی تعریف آن برعهده قوانین عادی گذاشته شده است. جرایم سیاسی محض یا جرایم ماهیتاً سیاسی، آن‌هایی هستند که نظم مستقر را به خطر اندازد، بر ضداساس حکمت یا بر ضدحاکمیت دولت صورت گیرند یا نظم موجود را که قوانین بنیادین دولت و تفکیک قوا مستقر نموده است، بر هم زنند. برعکس اعمالی که منافع خصوصی را به خطر اندازد، جرایم غیرسیاسی محسوب می‌شوند، در اصطلاح فقهی جرم سیاسی یا بغی به عملی گویند که گروهی از مسلمانان که تشکیلات قوی دارند و از فرمان و اطاعت ولی امر مسلمین در اثر شبهاتی بی‌اساس که برای آنان به‌وجود آمده، با قصد و اختیار اقداماتی را انجام دهند، خواه عمل از راه جاسوسی برای دولت‌های اجنبی و یا جنگ مسلحانه با حکومت اسلامی و یا از راه فسادفی‌الارض و محاربه و یا امور دیگر صورت گیرد، جرایم سیاسی اصولاً به‌عنوان جرایم ضدامنیت کشور به‌شمار می‌آیند و با ارتکاب آن امنیت کشور مورد تهدید قرار می‌گیرد و در برخی از موارد هدف مرتکبین تغییر نهادها و سازمان‌های متشکل کشور است و مرتکبین این جرایم با توجه به اعتقادات خویش دارای انگیزه‌های آرمانی می‌باشند و عمل خویش را نوعی عمل قهرمانانه می‌دانند. این اعمال بر علیه امنیت کشور با دارا بودن دو شرط اساسی ذیل جرم تلقی نمی‌شوند: ۱- عدم مشروعیت نظام حاکم از دیدگاه و اعتقاد مردم؛ ۲- همراهی اکثریت مردم جامعه با مرتکبین این اعمال.

#### ۱-۲- مفهوم رویکرد افتراقی قانون‌گذار

رویکرد افتراقی، یعنی استفاده از روش‌های خاص و متنوع برای حل مسأله‌ها و پاسخگویی به نیازهای مختلف. در این رویکرد، به‌جای استفاده از روش یکنواخت برای همه موارد، از روش‌های متنوع و مختلف استفاده می‌شود که باتوجه به شرایط و ویژگی‌های هر مسأله یا نیاز، بهترین راه حل را ارائه می‌دهند.

مرتبط باشد. این شامل عقاید سیاسی، حقوق بشر، آزادی بیان، جنبش‌های مدنی و سایر موارد مرتبط می‌شود. افتراق‌سازی جرم سیاسی به منظور حفظ حقوق شهروندان و ایجاد یک جامعه عادلانه و دموکراتیک اهمیت دارد. با اجرای این اصل، افراد به خاطر عقاید و فعالیت‌های سیاسی خود نمی‌توانند مورد تعقیب و مجازات قرار گیرند. این امر به حفظ آزادی بیان و حقوق مدنی شهروندان کمک می‌کند و به جامعه اجازه می‌دهد تا به صورت پویا و پوی‌پذیر در مسائل سیاسی شرکت کند. به طور کلی، افتراق‌سازی جرم سیاسی یک اصل حقوقی است که به منظور حفظ حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک در جامعه لازم است. این اصل می‌تواند به عنوان یک راهنمایی برای سیاستمداران، قضات و سایر عوامل قانونی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با جرم سیاسی و حقوق بشر عمل کند (Lasslett, 2010: 25).

افتراق‌سازی جرم سیاسی به معنای تفاوت در رویه قانونی و قضایی نسبت به جرایم غیرسیاسی است. در برخی موارد، جرم سیاسی ممکن است به دلیل ماهیت سیاسی عملکرد یا آرای سیاسی فرد صورت گیرد. این نوع جرم معمولاً با محدودیت‌های خاصی همراه است که ممکن است در قوانین و رویه‌های حقوقی مشخص شده باشد. افتراق‌سازی جرم سیاسی یک مسأله حقوقی پیچیده است و در بسیاری از کشورها و حکومت‌ها ممکن است تفاوت‌های قوانینی و قضایی در این خصوص وجود داشته باشد. در برخی کشورها، جرم سیاسی ممکن است به عنوان یک جرم خاص مورد تعریف و تشریح قرار گیرد و مجازات‌های خاصی برای آن تعیین شود. در کشورهای دیگر، این تفاوت‌ها ممکن است در رویه قضایی و رسیدگی به جرایم سیاسی مشخص شود. در هر صورت، افتراق‌سازی جرم سیاسی نیازمند رعایت حقوق بشر و اصول عدالت است. برخی از مواردی که ممکن است باعث ایجاد افتراق‌سازی جرم سیاسی شود، شامل بی‌انصافی در رسیدگی به پرونده‌ها، استفاده از محاکمات سیاسی برای سرکوب منتقدان سیاسی، تعیین مجازات‌های سنگین و نامناسب برای جرم‌های سیاسی و تعطیلی حقوق شهروندی می‌شود. در هر حالت، لازم است قوانین و رویه‌های حقوقی کشورها براساس استانداردهای بین‌المللی

رویکرد افتراقی در حل مسأله‌ها و پاسخگویی به نیازها می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مورد استفاده قرار بگیرد، مانند علوم رایانه، مهندسی، مدیریت، بهداشت و سلامت و ... در هر زمینه، باتوجه به ویژگی‌ها و نیازهای خاص، روش‌ها و راه حل‌های افتراقی می‌توانند ارائه شوند. استفاده از رویکرد افتراقی به ما این امکان را می‌دهد که بهترین راه حل و پاسخ را برای هر مسأله یا نیاز در نظر بگیریم و با استفاده از تجربه، دانش و فناوری‌های مختلف، بهترین عملکرد را داشته باشیم (Tunnell, 1993: 21).

رویکرد افتراقی قانون‌گذار به معنای تشخیص و تمایز بین شرایط و وضعیت‌های مختلف افراد و گروه‌ها در فرآیند قانون‌گذاری است. این رویکرد براساس اصل برابری در برابر قانون عمل می‌کند و هدف آن ایجاد عدالت و انصاف در تعاملات حقوقی و قانونی است. با استفاده از رویکرد افتراقی قانون‌گذاری، قوانین و مقررات می‌توانند براساس نیازها، وضعیت اجتماعی، جنسیت، سن، معلولیت و سایر عوامل مشابه تنظیم شوند. به عنوان مثال، در قوانین کار، می‌توان با توجه به نیازهای خاص زنان و مردان، تفاوت‌هایی در حقوق و تسهیلات کاری قائل شد. با این حال، استفاده از این رویکرد نیازمند دقت و توجه به جزئیات است. قانون‌گذاران باید از تبعیض ناعادلانه و تضییق بر افراد یا گروه‌ها پرهیز کنند و براساس اصول عدالت و برابری، تفاوت‌های مشروع در قوانین را تعیین کنند. در کل، افتراقی قانون‌گذاری به عنوان یک رویکرد قانونی، می‌تواند در راستای تحقق عدالت و تعادل در جامعه کمک کند، اما نیازمند توجه و تحلیل دقیق به منظور جلوگیری از تبعیض و ناعدالتی است.

## ۲- مبانی افتراق‌سازی جرم سیاسی

افتراق‌سازی جرم سیاسی، مفهومی است که در حوزه حقوق بین‌الملل و قوانین جرم شناخته می‌شود. این اصل بر این ایده تکیه دارد که تجریم افراد به دلیل عقاید سیاسی یا فعالیت‌های سیاسی، نقضی است از حقوق بشر و اصول عدالت. مبانی افتراق‌سازی جرم سیاسی بر پایه مفهومی به نام «جرم سیاسی» استوار است. جرم سیاسی به هرگونه عملکرد یا عملیاتی اطلاق می‌شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مسائل سیاسی



عدالت و حقوق بشر تنظیم شده باشند تا از افتراق‌سازی ناعادلانه جلوگیری شود (Härter, 2010: 32).

جرم سیاسی در کشورهای مختلف به‌طور عمومی به اقداماتی اطلاق می‌شود که به‌دلیل طبیعت سیاسی خود، مستلزم تعریف و تأویل قوانین و مقررات سیاسی است. این جرم‌ها معمولاً شامل فعالیت‌هایی می‌شوند که از نظر حکومت یا رژیم حاکم در یک کشور غیرقانونی تلقی می‌شوند و ممکن است با تهدید امنیت ملی یا نظم عمومی مرتبط باشند. نوع و تعریف جرم سیاسی ممکن است در کشورهای مختلف متفاوت باشد و بسته به نظام حکومت و قوانین آن کشور تغییر کند. برخی از جرم‌های سیاسی معمول شامل خیانت به وطن، توطئه علیه دولت، ترویج ضدانقلاب و تحریک به اعمال خشونت سیاسی می‌شوند. متأسفانه در برخی کشورها، جرم سیاسی به‌عنوان ابزاری برای سرکوب و سانسور نظرات و اعتراضات سیاسی استفاده می‌شود. این می‌تواند منجر به نقض حقوق بشر و محدودیت آزادی بیان و آزادی سیاسی شود (Dipaola, 2007: 21).

به‌طور کلی، جرم سیاسی در کشورهای مختلف تحت تأثیر معیارها و قوانین داخلی هر کشور قرار می‌گیرد و بسته به مفهوم و تعریفی که هر کشور از جرم سیاسی دارد، می‌تواند متفاوت باشد. رویکرد جرم سیاسی در کشورهای مختلف ممکن است به طرق متفاوتی تعریف و اجرا شود. هر کشور می‌تواند قوانین و سیاست‌های خود را درخصوص جرم سیاسی داشته باشد که بسته به عوامل فرهنگی، سیاسی و حقوقی آن کشور متفاوت باشد. در برخی کشورها، جرم سیاسی به‌عنوان جرمی تلقی می‌شود که به‌دلیل فعالیت‌های سیاسی یا انتقاد از حکومت و نظام سیاسی، انجام می‌شود. این شامل فعالیت‌هایی می‌شود مانند تشکیل تظاهرات، انتشار اخبار مخفیانه، سخنرانی‌های عمومی در برابر حکومت، تأسیس گروه‌های سیاسی غیرقانونی و ... در این کشورها، عوامل سیاسی می‌توانند تأثیر به‌سزایی در تشخیص و پیگیری جرم سیاسی داشته باشند و افراد متهم به این جرم‌ها ممکن است با تعقیبات قانونی و تحمل مجازات‌های سنگین مواجه شوند. در کشورهای دیگر، جرم سیاسی به‌طور معمول به‌عنوان جرمی در نظام حقوقی تعریف

می‌شود که براساس اقدامات خاصی مانند تهدید به امنیت ملی، توطئه برای تغییر نظام سیاسی یا استفاده از خشونت در راستای اهداف سیاسی ارتکاب می‌شود. در این کشورها، جرم سیاسی به‌صورت منحصربه‌فرد تشخیص داده می‌شود و عوامل سیاسی ممکن است در تعیین و تعقیب این جرم‌ها تأثیر کمتری داشته باشند. اهمیت و تعریف جرم سیاسی در هر کشور بسته به مفهوم دموکراسی، حقوق بشر و قوانین آن کشور است، هرچند که تفاوت‌هایی در رویکرد جرم سیاسی میان کشورها وجود دارد، اما برخی اصول اساسی مانند حق به عدالت دسترسی، حق به آزادی بیان و حق به تشکیل انجمن‌ها در بسیاری از سیستم‌های حقوقی حاکم است (Deflem, 2000: 35).

جرم سیاسی در اروپا می‌تواند به هر نوع جرمی اشاره کند که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با سیاست و فعالیت‌های سیاسی مرتبط است. این شامل جرایمی می‌شود که در زمینه‌هایی مانند فساد سیاسی، تلاش برای جلوگیری از اجرای عدالت، سوءاستفاده از قدرت سیاسی، جنایات جنگی و جرایم علیه بشریت، تروریسم سیاسی و خیانت به کشور می‌باشد. هر کشور اروپایی قوانین و مقررات خود را درباره جرم سیاسی دارد و رویکردهای حقوقی و قضایی ممکن است بین کشورها متفاوت باشد، اما در کل، اروپا تأکید بزرگی بر حقوق بشر و دموکراسی دارد و برای مقابله با جرم سیاسی تلاش می‌کند. جرم سیاسی در آمریکا می‌تواند به هرگونه فعالیت یا رفتاری اشاره کند که با قوانین و مقررات سیاسی کشور در تضاد باشد. این شامل فساد سیاسی، تلاش برای تأثیرگذاری غیرقانونی در فرایند انتخابات، سوءاستفاده از منابع عمومی، خیانت به کشور یا توطئه‌های سیاسی است (Bach Jensen, 2001: 32).

در آمریکا، جرم سیاسی می‌تواند شامل مواردی مانند فساد مالی در دولت، ارتکاب خلاف قوانین برای تأمین منافع سیاسی شخصی، تلاش برای انحراف از صحنه سیاسی قانونی یا تلاش برای تغییر نتیجه انتخابات با استفاده از روش‌های غیرقانونی باشد. مقامات قضایی و انتظامی در آمریکا مسؤول بررسی و پیگیری جرم‌های سیاسی هستند. افرادی که متهم به جرم سیاسی می‌شوند، باید در دادگاه محاکمه شوند و اگر مدانیتشان ثابت شود، ممکن است مجازات‌های قانونی متناسب با جرم

## ۲-۲- مبانی فردی مؤثر بر ارتکاب جرم سیاسی

یکی از عوامل مهم و مؤثر بر ارتکاب این جرایم، دارا بودن حداقل سطح سواد و هوش متوسط به بالا می‌باشد؛ این افراد باتوجه به نوع کارهایی که باید انجام بدهند، معمولاً از قشر تحصیل کرده جامعه و دارای هوشی بالا یا متوسط به بالا، انتخاب می‌شوند، بنابراین برخلاف افرادی که صرفاً برای ایجاد اغتشاش و آشوب در سطح جامعه برگزیده می‌شوند، این افراد به‌طور معمول، تحصیل کرده و باهوش هستند، چراکه فعالیت مورد نظر را باید در نهایت دقت انجام دهند تا نتیجه مطلوب حاصل شود (ملکوتیان، ۱۳۸۶: ۳۱). عامل مؤثر دیگر، انگیزه‌های عنادی و انتقامی نسبت به یک کشور است؛ عده‌ای از جاسوسان و خائنین به کشور، از بستگان افرادی هستند که به‌نحوی از جمهوری اسلامی ضربه خورده‌اند و همین عامل، سنگ بنای دشمنی فرد با نظام را می‌سازد.

حقوق کیفری زمانی می‌تواند به رسالت خود عمل کرده باشد که بتواند بین حقوق و آزادی‌های فردی از یک طرف و حفظ نظم و امنیت اجتماعی از طرف دیگر تعادل برقرار نماید. به‌نظر می‌رسد جرایم علیه امنیت دارای درجه شدیدی نمی‌باشند (یزدان جعفری، ۱۳۹۵: ۳۱).

## ۲-۳- مبانی اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم سیاسی

رسانه‌ها و فضای مجازی کشورهای ابر قدرت، یکی از مهم ترین ارکان تضعیف حس میهن پرستی و عشق و غیرت نسبت به خاک میهن است؛ به این صورت که با تبلیغ زیبایی‌ها و پیشرفت‌های کشور خود و بزرگ‌نمایی یا به عبارت بهتر، سیاه‌نمایی عیوب کشور هدف، به تدریج اتباع آن کشور را نسبت به خاک میهن خود، بی‌تفاوت و بی‌رغبت و نسبت به آن کشورها مایل می‌سازد (کاظمی، ۱۳۹۳: ۲۱). به این ترتیب، به تدریج در افراد نوعی حس بی‌تفاوتی نسبت به منافع و مصالح کشور متبعشان به وجود آمده و در مقابل کشور ابر قدرت، کشوری رویایی با تمامی امکانات و زیبایی‌ها و ... در نظر افراد شکل می‌گیرد و این خود به مراتب ویران‌کننده‌تر و سنگین‌تر از جنگ سخت با شلیک موشک‌های جنگی می‌باشد. در مقابل، عامل مهم دیگر عدم پشتیبانی و توجه کافی نسبت به نخبگان و مسؤولین دارای پست‌ها و جایگاه‌های حساس در کشور است.

خود را دریافت کنند، البته تشخیص و بررسی جرم سیاسی در هر کشوری به قوانین و سیستم حقوقی آن کشور بستگی دارد. بنابراین جرم سیاسی در آمریکا نیز باید براساس قوانین و مقررات آمریکا مورد بررسی قرار گیرد (Cherif Bassiouni, 2007: 37).

## ۲-۱- مبانی فکری مؤثر بر ارتکاب جرم سیاسی

کشورهای سلطه‌گر برای مبارزه با کشورهایی مثل ایران که داعیه آزادی و احیای انسانیت و استقلال را دارند و سعی بر تأثیرگذاری بر کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای مسلمان منطقه را دارند، راه‌های مختلفی را آزموده‌اند و از هر راهی برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند، چراکه معتقدند تا زمانی در منصب قدرت باقی مانده و بر جهان سلطه خواهند داشت که کشورهای دیگر در ضعف و فقر و نادانی باقی بمانند. حال این کشورها برای رسیدن به اهداف خود به راه‌های مختلفی متوسل می‌شوند، یکی از راه‌های معمول، به‌هم‌ریختن نظم عمومی و آرامش جامعه مورد نظر است که برای رسیدن به این هدف راه‌های مختلفی را امتحان می‌کنند؛ یکی از راه‌ها، ایجاد آشوب و اغتشاش در سطح عمومی جامعه با به‌هم‌زدن آرامش زندگی روزمره مردم می‌باشد که در مبحث قبل مورد بررسی قرار گرفت، البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که مجرمینی که تحت عنوان مبحث گذشته مورد بررسی قرار گرفتند، فقط به این دامنه کوچک محدود نشده، بلکه تروریست‌هایی که برای اهداف مورد نظر کشورهای ابر قدرت تربیت و تجهیز شده‌اند نیز تحت شمول مجرمین امنیتی مبحث قبل قرار می‌گیرند. گروه‌های تروریستی مختلف، تروریست‌هایی که برای ترور دانشمندان و محققان هسته‌ای تربیت می‌شوند و نابودی اساس پیشرفت علم و دانش کشور را هدف گرفته‌اند، همگی نشأت گرفته از کشورهای ابر قدرت و دولت غاصب اسرائیل می‌باشد. درخصوص مبانی فکری مؤثر بر ارتکاب این جرایم، شباهت‌هایی با گروه آشوب محور و اغتشاشی وجود دارد، ازجمله اینکه به‌طور معمول این افراد دارای آرمان و اهداف عالی برای ارتکاب جرم نبوده، بلکه به اهداف مد نظر خویش که عموماً مادی بوده، توجه می‌کنند، لیکن این اهداف مادی دارای ابعاد وسیع‌تری نسبت به انگیزه صرفاً مالی می‌باشد (جوان جعفری بجنوردی و ساداتی، ۱۳۹۴: ۲۱).

۲- افتراء یا توهین به ریاست قوه مجریه، مقننه و قضائیه، وزراء، معاونان رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان و نمایندگان مجلس خبرگان.

۳- جرایم مقرر در قوانین انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات و خبرگان رهبری.

۴- ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب و جرایم مندرج در بندهای «ه» و «د» آن قانون، جمعیت‌ها، انجمن‌های اسلامی و انجمن‌های سیاسی و صنفی یا اقلیت‌های دینی شناسایی شده مصوب سال ۱۳۶۰.

۵- نشر و انتشار اکاذیب (زندیان، ۱۳۹۸: ۳۲).

### ۲-۳- رکن معنوی

رکن معنوی به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱- سوءنیت عام؛ ۲- سوءنیت خاص. در سوءنیت عام، نیت مجرمانه شخص مد نظر قرار خواهد گرفت و به‌طور کلی قصد و نیت مجرمانه شخص، یعنی خواسته درونی فرد در مقابله با حکومت و نظام مورد توجه می‌باشد که احراز این مسأله با تسامح کمی قابل پذیرش خواهد بود، اما در مورد سوءنیت خاص که قصد و نیت با هدف براندازی یا قصد تخریب رهبران و مسؤولان حکومت و رجال سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد که در این نوع سوءنیت احراز آن بسیار مشکل است، چون که شخص در جرم سیاسی به‌صورت یک مصلح معرفی می‌گردد نه به‌شکل یک آشوب و طلب اخلاک‌گر، همچنان که بعضی‌ها به اصل ذهنی بودن جرایم معتقد که جرم سیاسی یک جرم مطلق است (رادفر، ۱۳۸۹: ۸۵).

### ۳-۳- رکن مادی

یک جرم برای این که مورد مجازات واقع گردد و شرایط اجرای مجازات را داشته باشد، باید یک عمل عینی و رکن مادی نیز در عالم خارج محقق شود تا این که شخص را به آن عمل ممنوعی که مرتکب شده است، مورد مجازات قرار دهند. جرم سیاسی همانند جرایم عمومی با فعلیت‌یافتن همانند تخریب، اخلال در نظم، آشوب، انفجار و امنیت عمومی جامعه و ... صورت خواهد گرفت. با مطالعه صحیح در بررسی جرایم

به‌عبارت دیگر در سایه غفلت و بی‌تدبیری تصمیم‌گیرندگان و حراست‌کنندگان از حریم جمهوری اسلامی ایران است که دشمن، فرصت نفوذ در افکار و نهاد افراد مستعد برای ارتکاب جرایم امنیتی را پیدا می‌کند، اگر از همان ابتدا مسؤولین با اطلاعاتی به‌روز، هوش‌یارانه از حریم کشور به هر شکل نه فقط در مرزهای طبیعی کشور دفاع کنند، جلوی ارتکاب بسیاری از جرایم امنیتی گرفته شده و مهم‌تر از آن، جلوی ضربه‌های جبران‌ناپذیری که توسط این جاسوسان و خائنین، به نظام زده می‌شود گرفته خواهد شد. عامل مهم دیگر که بسیار مؤثر بر اینگونه افراد می‌باشد، منفعت مادی قابل ملاحظه‌ای است که نصیبشان می‌شود؛ یک جاسوس در برابر انجام‌دادن کاری که از او خواسته شده، مبلغ قابل توجهی دریافت می‌کند؛ این وعده‌ها به حدی قوی و مؤثر هستند که توانایی وسوسه هر انسانی را دارد، بنابراین شاید بتوان مهم‌ترین عامل ارتکاب جرم جاسوسی را در اکثر قریب به اتفاق موارد، کسب وعده‌های داده‌شده توسط اشخاص ذی‌نفع دانست. واقعیت آن است که برخلاف جرایم در قلمرو مسائل شخصی یا اخلاقی که دولت‌ها برحسب رعایت آزادی‌های فردی، استراتژی عقب‌نشینی و عدم مداخله را در پیش گرفته‌اند (مجیدی، ۱۳۸۶: ۵۱).

### ۳- ارکان جرم سیاسی

#### ۱-۳- رکن قانونی جرم

در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، رکن قانونی جرم سیاسی تبیین گردیده است. طبق ماده ۱ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، هریک از جرایم مصرح در ماده ۲ قانون مذکور اگر با انگیزه تغییرات امور کشور علیه نهادهای سیاسی و مدیریت آن ها و یا سیاست‌های خارجی یا داخلی کشور تحقق بیابد، حال اگر به هدف و نیت ضربه‌زدن به اصل نظام هم نباشد، جرم سیاسی محسوب می‌گردد. همچنین طبق ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، جرایم زیر درصورت تطابق با شرایط مقرر در ماده ۱ قانون مذکور جرم سیاسی تلقی می‌شوند.

۱- اهانت به سفیر و یا نماینده سیاسی کشورهای خارجی، با رعایت مفاد ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات که در قلمرو کشور وارد شده است؛



مستوجب مجازات می‌باشد (ناجی زواره، ۱۳۸۹: ۲۱). درخصوص توجه به کرامت انسانی در نظام دادرسی به‌طور کلی و نظام دادرسی کیفری به‌طور خاص باید در نظر داشت که همانند برابری، کرامت انسانی نیز مبنای اصل بی‌طرفی می‌باشد، چون نقض اصل بی‌طرفی خواه ناخواه به‌معنای عدم شناسایی شخص به‌عنوان یک فرد با حقوق کامل و عدم احترام و توجه به حقوق اوست. امروزه رعایت کرامت انسانی یکی از معیارهای اساسی قانون‌گذاری، دادرسی و اعمال ضمانت اجرای کیفری است. توجه به این معیار، اراده دولت و حکومت را در فرآیند قانون‌گذاری، دادرسی کیفری و اعمال مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی محدود و پایبند به ضوابط اخلاقی و انسانی توصیه می‌نماید (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۵).

#### ۴-۲- امکان حضور هیأت منصفه در دادگاه رسیدگی جرایم سیاسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، نقش هیأت منصفه در رسیدگی به جرایم سیاسی بیان نشده است، بلکه در اصل ۱۶۸ بر این امر تأکید شده است که رسیدگی به جرایم سیاسی در حضور هیأت منصفه انجام می‌پذیرد. این اصل در ادامه مقرر کرده است که اختیارات و شرایط هیأت منصفه و نحوه انتخاب آن‌ها و همچنین مفهوم جرم سیاسی را مقنن براساس موازین اسلامی معین کند، چراکه هیأت منصفه، در جلسه دادرسی قوت قلبی برای متهم است و اگر متهم از دیدگاه هیأت منصفه نیز مجرم باشد، قناعت وجدان پیدا می‌کند که در افکار خود باید تجدید نظر نماید، چراکه هیأت منصفه افراد منصفی هستند که به‌عنوان نمایندگان جامعه به یاری او آمده‌اند، جزء خیرخواهی وی، هدف دیگری ندارند. همچنین قاضی دادگاه که نماینده حکومت است، هرچند فرد عادل و بدون غرض باشد، اما وقتی رأی او به پشتوانه نظرات نمایندگان جامعه باشد، تردیدی در اعتبار قضات خود نخواهد داشت، جامعه نیز با دخالت در امر دادرسی، از عدم سوءاستفاده حکومت مطمئن می‌گردد (مدنی، ۱۳۷۸: ۶۱/۱).

بنابر یک تعریف «هیأت منصفه که آن را به نهاد قضایی مردمی تعبیر می‌کنند، هیأت منصفه عبارت از گروهی از افراد است که در رسیدگی به پاره‌ای از جرایم و تحت شرایط خاصی با

سیاسی به این نتیجه می‌رسیم که بسیاری از مجرمین سیاسی تنها با انتشار و تبلیغ افکار آزادی‌خواهانه خود به مبارزه با یک نظام حکومتی می‌پرداختند و از طریق سخنرانی‌ها در مجالس مختلف و یا مطبوعات حکومت را مورد نقد قرار داده‌اند، به طوری که که همیشه جرایم مطبوعاتی را در زمره جرایم سیاسی به‌حساب می‌آورند و نوع جرم وارده و مجازات در هر دو صورت شبیه هم تدوین و تعریف می‌نمایند، پس می‌توان گفت که سخنرانی و تحریک مردم به‌وسیله نوشتن و نظایر آن، عنصر مادی جرم سیاسی محسوب می‌گردد. از نظر بعضی دیگر نیز در رکن مادی جرم سیاسی صرف توطئه و تبانی برای تحقق جرم کافی می‌باشد و فعل خارجی همان توطئه و تبانی می‌باشد (زندیان، ۱۳۹۸: ۳۱).

#### ۴-۳ جرم سیاسی با رویکرد اقتراعی

پس از تصویب آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز متأسفانه همچنان جرم سیاسی به‌دلیل امنیتی و ... مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفت تا این که در سال ۱۳۹۵ قانون جرم سیاسی تدوین و تصویب گردید. تصویب قانون جرم سیاسی، توجه و تمرکز رعایت حقوق حقه بر روی زندانیان سیاسی و وضعیت آن‌ها کمک شایانی نمود (زندیان، ۱۳۹۸: ۵۱).

#### ۴-۱- حفظ کرامت انسانی در دادرسی کیفری

حق بهره‌مندی شهروندان از دادرسی منصفانه یا عادلانه از مهم‌ترین مقتضیات اصل کرامت ذاتی بشر در قلمرو حقوق کیفری شکلی می‌باشد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۲).

حقوق متهمان، از قبیل حق سکوت، حق دفاع از خود، حق انتخاب وکیل و حق دادرسی عادلانه مباحثی هستند که مربوط به کرامت ذاتی انسان می‌باشند و قابل اسقاط و سلب نیستند و هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها را از متهم سلب یا محدود کند، چراکه کرامت ذاتی، هدیه خداوند به بشر است، بدین‌ترتیب به‌نظر می‌رسد در فرآیند دادرسی باید با حفظ کرامت انسانی طرفین دعوی، به‌ویژه کرامات انسانی متهم که همیشه در معرض تجاوز است، رفتار شود. به همین دلیل درجهت حفظ کرامت انسانی مجرم یا متهم در اصل ۳۹ قانون اساسی ایران آمده است که هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون بازداشت، دستگیر، تبعید یا زندانی گردیده است ممنوع و

حق برخورداری از وکیل یکی از اصول اساسی حقوق بشر است و براساس آن، هر فرد حق دفاع از خود را در برابر اتهامات دارد. حضور وکیل در مراحل قضایی به مجرمین سیاسی امکان می‌دهد که از حقوق خود بهره‌برداری کنند و در دادگاه دفاع خود را ارائه دهند، البته همان‌طور که گفته شد، رفتار با مجرمین سیاسی و حق برخورداری از وکیل بستگی به قوانین و مقررات هر کشور دارد. برخی از جوامع ممکن است قوانین خاصی برای مجرمین سیاسی داشته باشند که در موارد عادی قابل اعمال نباشد. در هر صورت، رفتار با مجرمین سیاسی و حق برخورداری از وکیل باید با رعایت اصول عدالت و حقوق بشر انجام شود. این اصول شامل حق به‌دست‌آوردن وکیل، حق به دادگاه عادلانه و حق به دفاع منصفانه می‌باشد (عالی‌پور، ۱۳۸۹: ۴۱).

#### ۴-۴- دادرسی علنی مجرمین سیاسی و مرجع صالح به رسیدگی

یکی از امتیازاتی که مجرمان سیاسی از آن برخوردار هستند، این است که محاکمات آنها به‌صورت علنی انجام می‌شود. اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این رابطه مقرر می‌دارد: رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است... «البته علنی‌بودن جلسات دادرسی در حقوق اسلام تنها نسبت به مجرمان سیاسی وجود ندارد، بلکه سایر محاکمات نیز از این قاعده پیروی می‌کنند با این تفاوت که در دادرسی‌های مربوط به جرایم سیاسی هیچ شرطی برای علنی‌بودن محاکمه نیامده است» (ضرابی، ۱۳۷۲: ۱۵)، اما در دادرسی‌های عادی شرایط رسیدگی علنی آن است که منافی عفت عمومی یا نظم عمومی نباشد و طرفین دعوی هم خلاف آن را تقاضا نکنند. فلسفه رسیدگی علنی که آگاهی مردم از سلامت دادرسی‌ها و رعایت قوانین و مقررات از سوی دادرسان است، بیشتر درباره رسیدگی به این جرایم مطرح است و در مورد دادگاه‌های حقوقی کمتر مصداق پیدا می‌کند، علت دیگر این علنی‌بودن جلسات دادرسی مخصوصاً دادرسی مربوط به جرایم سیاسی آن است که همه کسانی که نسبت به موضوع محاکمه توجهی دارند، در دادگاه حضور یافته، از نحوه دادرسی و از حسن جریان و بی‌طرفی قضات آگاهی یابند و در محاکمه که دارای جنبه عمومی است، خبرنگاران جراید با شرکت خود در دادگاه‌ها و انتشار مشهودات خویش در مطبوعات، افکار عمومی را در جریان دادرسی قرار

دادرسان کیفری همکاری می‌کنند» (آخوندی، ۱۳۶۲: ۲۸/۲)، لذا در این قبیل جرایم سیاسی نیز محاکم مکلفند که هر وقت به این قبیل جرایم برخورد نمودند. هرگاه مقنن به هر عنوان، ولو با تغییر عنوان یا با تغییر صلاحیت دادگاه، حضور هیأت منصفه را غیرممکن سازد، مسلماً برخلاف قانون اساسی رفتار نموده و قانون مزبور را نقض نموده است و چون ما معتقدیم که محاکم دادگستری می‌توانند از اجرای قانون خلاف قانون اساسی خودداری نمایند (محسنی، ۳۲۴: ۲۵/۲)، علاوه بر رسیدگی علنی به جرم مجرمان سیاسی و حضور هیأت منصفه در جلسه محاکمه آن‌ها، در صورتی که هیأت منصفه، این افراد را مجرم تشخیص دهد و این افراد به حبس محکوم شوند، در این صورت، مزایایی بیشتر از سایر زندانیان به آن‌ها داده خواهد شد. براساس ماده ۶ این طرح موارد زیر درباره متهمان و محکومان جرایم سیاسی اعمال می‌شود.

#### ۴-۳- چگونگی رفتار با مجرمین سیاسی و حق برخورداری از وکیل

تبصره ۲ ماده ۳۸۰ همین قانون در مورد نحوه ابلاغ رأی در جرایم امنیتی مقرر می‌دارد. «دادنامه حاوی مطالبی باشد که اطلاع شاکی از آن حرام است. همچنین در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ابلاغ دادنامه حضوری بوده و ذی‌نفع می‌تواند از مفاد کامل رأی اطلاع یافته و از آن استنساخ نماید»، هرچند که قانون رفتار مشابهی نسبت به تمام مجرمین مقرر داشته باشد، در عمل از نظر اداری و حتی قضایی برای مجرمین سیاسی تفاوت در رفتار کاملاً محسوس است، مثلاً آن‌که آنان محکوم به کار اجباری و یا پوشش و لباس مخصوص زندانیان نمی‌باشند، حتی محبوسین آنان با سایرین متفاوت می‌باشد و از امکانات بهتری برخوردار هستند و حق ورود و خروج، آمدرفت، خرید روزنامه و استفاده از کتاب را دارند (هاشمی، ۱۳۷۱: ۳۲). رفتار با مجرمین سیاسی و حق برخورداری از وکیل به‌طور کلی براساس سیستم قانونی هر کشور تعیین می‌شود. در بسیاری از جوامع، حقوق مجرمین سیاسی نیز به‌عنوان یک حق اساسی شناخته شده است. به همین دلیل، مجرمین سیاسی همچنان حق برخورداری از وکیل را دارند.

در چند دهه اخیر حقوق کیفری به شدت، تحت تأثیر حوادث و وقایع اجتماعی، از یک سو و آرا و نظریه‌های گوناگون و حتی متعارض اندیشمندان، از سوی دیگر قرار گرفته است. آرا و نظریه‌هایی که چه بسا زمینه بحث آن‌ها در حقوق کیفری نبود و ریشه در اعتراض‌ها و مخالفت‌ها در صحنه سیاسی و اجتماعی در اروپا و آمریکا داشت، به حقوق کیفری نیز تسری یافت. از یک نگاه در واقع این اعتراض‌ها و مخالفت‌ها نسبت به نهادهای اجتماعی در غرب، چیزی جز شکست اصالت عقل، اصالت فرد و ... و دیگر شعارهای به‌جامانده از عصر روشنگری نبود، اگرچه اصول گرایی، بستری برای تولد عدالت کیفری بود، اما تحقق عدالت، در جامعه بشری هنوز، یکی از رویاهای انسان است که دور از دسترس می‌نماید و رسیدن به آن، به‌عنوان یک ارزش متافیزیک همچنان، مسیر طولانی را در پیش روی خود، انتظار می‌کشد. حقوق کیفری نسبت به گذشته از انتزاع کمتر و انعطاف بیشتری برخوردار است و بیشتر به‌عنوان ابزاری برای رسیدگی به وضعیت انسان‌ها و مشکلات بشری کاربرد یافته است. زمانی که بکار یا بر قانونمندی حقوق کیفری تأکید می‌کرد و همراه با سایر اندیشمندان تاوان سنگینی بابت این تلاش‌ها پرداخت، شاید تصور نمی‌کرد که بعدها همین اصل تبدیل به یک اصل دست و پا گیر شود (محسنی، ۳۲۴: ۳۱/۲).

#### ۴-۶- عدم سابقه جزایی برای مجرمین سیاسی

سیاست کیفری افتراقی از نظر حقوق دانان در مقابل سیاست کیفری عام قرار می‌گیرد. ایجاد و برگزیدن تدابیر متمایزی نسبت به نظام مجازات‌ها، از قبیل تعیین نحوه تعیین و اجرای مجازات‌ها، انواع مجازات‌ها اعم از اصلی، تبعی و تکمیلی، تخفیف و معافیت مجازات‌ها، تعویق و تعلیق صدور احکام و مجازات، مجازات‌های جایگزین حبس، نظام‌های آزادی و نیمه‌آزادی مشروط، سقوط مجازات‌ها نسبت به نظام جرایم همانند شروع به جرم، اقدامات تربیتی و تأمینی، مشارکت و معاونت در جرم، مسؤول گروهای مجرمانه سازمان یافته، تعدد و تکرار جرم و همچنین نسبت به مسؤولیت کیفری و ادله اثبات، درخصوص گروهی از جرایم مساوی با اتخاذ سیاست کیفری افتراقی در قبال آن دسته از جرایم است، درحالی که در سیاست‌های کیفری عام نسبت به همه جرایم جنبه‌های بازدارنده و پیشگیرانه نسبت به مجرم و جرم، جبران خسارت

می‌دهند (ضرابی، ۱۳۷۲: ۴۲)، به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار باید با لحاظ افتراقی‌سازی در این زمینه درجهت اقداماتی، از جمله برگزاری محاکمه مجرمان سیاسی به‌صورت علنی و بدون استثنا قدم بردارد. نسبت به محاکمه مجرمین سیاسی، علاوه بر این که هیأت منصفه مداخله دارد، لازم است در راستای مواد ۲۹۶ و ۲۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری نظام تعدد قضات بدون استثنا و به‌دلیل فنی و تخصصی بودن احراز موضوع جرم سیاسی گام بردارد. به‌عبارتی دیگر سیاسی بودن و یا نبودن جرم را به دستان رویه قضایی نامعلوم سپرده و گویی مجرم سیاسی هیچ تفاوتی با مجرم عادی ندارد. مؤید ضمنی این امر ماده ۵ قانون جرم سیاسی می‌باشد. رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی به‌صورت علنی و با حضور هیأت منصفه، براساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی، در محاکم دادگستری صورت می‌پذیرد. بر همین اساس نیز، در ماده ۴ قانون جرم سیاسی، این مسأله مورد اشاره قرار گرفته و قانون‌گذار آورده است که «نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی و مقررات مربوط به هیأت منصفه، مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری خواهد بود»، اما سؤال اینجاست که چه کسی تشخیص می‌دهد که یک جرم سیاسی است یا نیست؟ در این خصوص قانون‌گذار در ماده ۵ قانون جرم سیاسی مقرر گردیده است که «دادسرا یا دادگاهی می‌تواند تشخیص سیاسی بودن اتهام را انجام دهد که پرونده در آن مطرح شده است و این حق به متهم داده شده است که در هر مرحله از رسیدگی پرونده در دادسرا و حتی تا پایان جلسه اول دادرسی در جلسه دادگاه در مورد سیاسی بودن اتهام وارده، اعتراض نماید. شیوه اعتراض و صدور به این قرار تابع مقررات آیین دادرسی کیفری خواهد بود.» در واقع براساس این مصوبه مجلس، مرجع تشخیص نوع جرم، دادسرا یا دادگاه صالح برای رسیدگی است، اما اگر متهم به موضوع اعتراض داشته باشد، می‌تواند اعتراض خود را بیان کند. در این خصوص دادسرا یا دادگاه باید طی قراری، سیاسی بودن یا نبودن جرم را اعلام کند، درخصوص اعتراض به این قرار، قانون به مقررات آیین دادرسی کیفری ارجاع داده است که در این خصوص کمی مبهم به‌نظر می‌رسد (رحمانی، ۱۳۹۵: ۶۲).

#### ۴-۵- معافیت استرداد مجرمین سیاسی

ممنوعیت بازداشت و حبس به‌صورت انفرادی، حق ملاقات و مکاتبه مستمر با بستگان و آشنایان در طول مدت حبس و حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس شدند.

هدف از دادرسی افتراقی، جداساختن مراحل گوناگون دادرسی از کشف تا اجرای حکم و اصول و قواعد حاکم بر آن می‌باشد. قانون جرم سیاسی با هدف استیفای حق مجرمان سیاسی و حمایت از آنان در اردیبهشت ۱۳۹۵ تصویب نهایی شد. در واقع این قانون جهت تفکیک جرایم عمومی از جرایم سیاسی قانون‌گذاری شد. همچنین تا قبل از این قانون علی‌الاصول جرم امنیتی و جرم سیاسی برای مردم قابل تفکیک نبود، اما پس از تصویب این قانون به‌طور کامل جرم سیاسی با جرم امنیتی از هر لحاظ متفاوت شد و بین آن‌ها تفکیک شد. در واقع جرم ناشی از فکر سیاسی و یا از یک مؤسسه و دستگاه سیاسی را جرم سیاسی گویند، این تعریف به‌نحوی اختصاصی و احصاشده جرم سیاسی را توضیح می‌دهد. جرم سیاسی دارای مصادیق مختلفی است که در قانون جرایم سیاسی موارد آن ذکر شده است. همچنین دادگاه صالح برای جرایم سیاسی دادگاه کیفری یک استان است که با وجود هیأت منصفه به آن رسیدگی می‌شود، قواعد اعمال معافیت یا تخفیف، تعیین و اجرای مجازات، تکرار و تعدد، تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم، مرور زمان تعقیب، اعطای آزادی مشروط، صدور حکم و اجرای مجازات نسبت به مجرمان، نمونه‌هایی مربوط به حوزه کیفردهی افتراقی می‌باشد و نهایتاً رویکرد افتراقی قانون‌گذار در دادرسی جرایم سیاسی، تضمین عدالت و حقوق شهروندان در قبال جرایمی است که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با مسائل سیاسی مرتبط هستند. این دادرسی به منظور پیگیری و پاسخگویی به اقدامات غیرقانونی و نقض حقوق انسانی در حوزه سیاسی انجام می‌شود. هدف اصلی از دادرسی افتراقی در جرایم سیاسی، تأمین عدالت، اداره صحیح و عادلانه عدالت و تقویت حقوق بشر و دموکراسی است. رویکرد افتراقی قانون‌گذار در دادرسی جرایم سیاسی به‌معنای اعمال استانداردها و قوانین متفاوت برای جرایم سیاسی نسبت به سایر جرایم است. این رویکرد براساس تفاوت‌هایی که در جرایم سیاسی وجود دارد، اعمال می‌شود. در بسیاری از

بزه‌دیده، سخت‌گیرانه نسبت به شرایط، به‌منظور عدم ارتکاب جرم و واکنش سرکوبگرانه جامعه نسبت به مجازات مجرم وجود دارد، درحالی‌که در سیاست کیفری افتراقی این جنبه‌ها و ویژگی‌ها قدری پررنگ‌تر است، با این وجود در برخی از قوانین جزایی، برای محکومین مجازات‌های تبعی و تکمیلی مقرر می‌دارند، نظیر محکومیت از حقوق اجتماعی (استخدام، انتصابات، عضویت در مسائل اجتماعی و ...)، درحالی‌که به‌خاطر ارتکاب جرم سیاسی، سابقه جزایی محسوب نشده و آثار تبعی و تکمیلی ندارد. همچنین برخلاف محکومیت‌های عمومی، محکومیت‌های سیاسی موجب اجبار جسمی هم نمی‌شوند و بالاخره این‌که در مورد این محکومیت‌ها نمی‌توان حکم تعلیق با نظارت و حمایت صادر کرد (هاشمی، ۱۳۷۱: ۴۲).

در راستای هدفمندسازی نظام عدالت کیفری و تقویت کارایی سیاست جنایی، نمی‌توان نسبت به منطقی و متناسب‌نمودن فرایند رسیدگی و واکنش علیه جرم و مجرم بی‌توجه بود. مفهومی که فقدان آن می‌تواند در مشروعیت و کارآمدی نظام عدالت کیفری تردیدهای جدی وارد کند. افتراقی‌شدن دادرسی کیفری نیز در واقع ناظر به همین چندلایه‌شدن و چندگانه و نامتجانس‌شدن سیاست جنایی است. مدل سنتی حاکم بر دادرسی کیفری باتوجه به تحولات سریع و گسترده در جوامع بشری و پیچیده‌شدن روابط اجتماعی در آن‌ها، ناتوان از نیل به چنین هدفی، یعنی مبارزه کیفری هدفمند علیه انواع جرایم است. بنابراین افتراقی‌شدن دادرسی کیفری ضرورتی غیرقابل اجتناب است که به‌دنبال تحولات حقوق کیفری ماهوی صورت می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

مفهوم جرم سیاسی در اصل ۱۶۸ قانون اساسی کشور که بعد از پیروزی انقلاب به تصویب رسید، پیش‌بینی شده بود، اما تعریف خاصی از جرم سیاسی در قانون وجود نداشت. با تصویب این قانون ۶ ماده‌ای تعریف جرم سیاسی ارائه شد و مجرمان سیاسی در زمان حبس خود دارای امکاناتی، ازجمله مجزایبودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی، ممنوعیت وادارکردن به پوشیدن لباس زندان و یا کار اجباری در طول دوران بازداشت و یا حبس، ممنوعیت دستبندزدن،

دادگستری یک شعبه مختص به رسیدگی جرایم سیاسی را در نظر بگیرند و قضات این شعبه‌ها در کل کشور به صورت یکسان در زمینه جرایم سیاسی تحت آموز قرار بگیرند که اختلاف رأی در دادگاه‌های مختلف پیش نیاید.

و باتوجه به این که این قانون برای اولین بار تصویب شده و تا به حال قبل از سال ۱۳۹۵ آزمایش نشده، خالی از ایراد و اشکال نیست و ایرادهای احتمالی آن بعد از این چند سال نیز مشخص گردیده است که پیشنهاد می‌گردد در این زمینه مجلس شورای اسلامی، مخصوصاً کمیسیون قضایی مجلس، قوه قضاییه، استادی دانشگاه، حقوق‌دانان و وکلا در این زمینه اعلام نظر نمایند و برای رفع آن‌ها چاره‌اندیشی شود.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

**سهم نویسندگان:** برابر.

**تشکر و قدردانی:** ابراز نشده است.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

#### منابع و مأخذ

##### الف. منابع فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۶۲). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. جلد چهارم، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و ساداتی، محمد (۱۳۹۴). *ماهیت فلسفی و جامعه‌شناختی کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- رادفر، سیدرضا (۱۳۸۹). *جرم سیاسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

کشورها، جرایم سیاسی شامل فعالیت‌هایی می‌شود که با شخصیت سیاسی، نظام سیاسی یا امنیت ملی مرتبط هستند. به‌عنوان مثال، تلاش برای تغییر نظام سیاسی، خیانت به کشور یا تروریسم ممکن است به‌عنوان جرایم سیاسی شناخته شوند. در رویکرد افتراقی قانون‌گذار، ممکن است قوانین و آیین‌نامه‌های خاصی برای دادرسی جرایم سیاسی وجود داشته باشد. این قوانین ممکن است به‌دلیل حساسیت و تأثیرات سیاسی و اجتماعی جرایم، مجازات‌های سخت‌تر یا سبک‌تر را برای آن‌ها در نظر بگیرند. همچنین در این رویکرد ممکن است روش‌های خاصی برای بررسی و تحقیق درباره جرایم سیاسی وجود داشته باشد. مهم است که در این رویکرد، عدالت و حقوق متهمین همچنان رعایت شود و قانون‌گذار باید تأکید داشته باشد که دادرسی جرایم سیاسی به تعقیب عدالت و حفظ امنیت و استقلال کشورها کمک کند. همچنین باید تأکید شود که این رویکرد به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده از سیستم قضایی برای سیاست‌زدگی یا سانسور سیاسی به کار گرفته نشود.

#### پیشنهادهات:

۱- نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی و مقررات مربوط به هیأت منصفه مطابق قانون آیین دادرسی کیفری انجام می‌شود و تشخیص سیاسی‌بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است. متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به سیاسی‌بودن اتهام ایراد کند که صاحب‌نظران همین موضوع یکی از ایرادات این قانون می‌دانند، زیرا تشخیص این که آیا جرمی سیاسی است و یا نه را برعهده قاضی دادگاه است که یک امر سلیقه‌ای است، زیرا اختلاف نظر در این رابطه بسیار وجود دارد.

۲- باتوجه به این که اختلاف سلیقه و تفاوت نظر و آرا در زمینه همه جرم‌ها در محاکم جمهوری اسلامی وجود دارد، به همین دلیل ممکن است برای یک جرم، در دو دادگاه، دو رأی مختلف صادر شود. به همین شکل هم ممکن است برخی از جرایم را یک قاضی سیاسی تشخیص ندهد و بعد از اعتراض متهم و رسیدگی در مرجع قضایی، مشخص شود این جرم مشمول عنوان سیاسی بوده است که پیشنهاد می‌گردد که در هر



- یزدان جعفری، جعفر (۱۳۹۵). «تقابل امنیت فردی و ملی در جرایم علیه امنیت». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۴(۱۴): ۸۱-۵۹.

#### ب. منابع انگلیسی

- Bach Jensen, R (2001). "Criminal Anthropology and Anarchist Terrorism in Spain and Italy". *Mediterranean Historical Review*, 16(2): 31-44.

- Cherif Bassiouni, M (2007). *International Extradition United States Law & Practice*. 5<sup>th</sup> ed, Oxford: Oxford University Press.

- Deflem, M (2000). "Bureaucratization and Social Control: Historical Foundations of International Police Cooperation". *Law & Society Review*, 34(3): 739-778.

- Dipaola, P (2007). "The Spies Who Came in from the Heat: The International Surveillance of the Anarchists in London". *European History Quarterly*, 37(2): 189-215.

- Härter, K (2010). "Security and "Gute Policey" in Early Modern Europe: Concepts, Laws and Instruments". *Historical Social Research*, 35(4): 41-65.

- Lasslett, K (2010). "Crime or Social Harm? A Dialectical Perspective". *Crime, Law and Social Change*, 54(1): 1-19.

- Spagnoletti, P & Me, G (2005). "Situational Crime Prevention and Cyber-crime Investigation: The Online Pedo-pornography case study". *EUROCON*, 22-24.

- Tunnell, KD (1993). *Political Crime in Contemporary America: A Critical Approach*. New York: Garland.

- رحمانی، قدرت‌الله (۱۳۹۵). «تعریف جرم سیاسی، الزام غیرمصلحت‌گرایانه قانون اساسی». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۴(۴): ۹۵۵-۹۲۹.

- رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). *کرامت انسانی در حقوق کیفری*. تهران: انتشارات میزان.

- زندیان، نهال (۱۳۹۸). «بررسی جرم سیاسی در ایران با تاکید بر قانون مصوب ۱۳۹۵». *فصلنامه حقوقی قانونی یار*، ۳(۹): ۷-۳۰.

- زینلی، محمدرضا (۱۳۷۸). *جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- ضرابی، غلامرضا (۱۳۷۲). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.

- عالی‌پور، حسن و کارگری، نوروز (۱۳۹۵). *جرایم ضدامنیت ملی*. تهران: انتشارات خرسندی.

- قانون جرایم سیاسی، مصوب ۱۳۸۹.

- کاظمی، محسن (۱۳۹۳). *خاطرات عزت شاهی*. چاپ بیست و یکم، تهران: نشر سوره مهر.

- مجیدی، سیدمحمود (۱۳۸۶). *جرایم علیه امنیت*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- محسنی، مرتضی (۱۳۹۶). *دوره حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۸). *آیین دادرسی مدنی*. جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۶). *انقلاب اسلامی ایران*. چاپ نهم، تهران: نشر معارف.

- ناجی زواره، مرتضی (۱۳۸۹). *دادرسی بی‌طرفانه به امور کیفری*. تهران: انتشارات شهر دانش.

- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۱). «تحلیل جرایم سیاسی و مطبوعاتی». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱(۱۰): ۱۰۵-۱۴۵.